

جستاری در تحولات عوامل مهاجرت روستایی در ایران

(مطالعه‌ی موردی: شهرستان بندرانزلی)

اسماعیل آقائی‌زاده* - استادیار دانشکده‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

حسن افراخته - استاد دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه تربیت معلّم، تهران

محمد میره - استادیار دانشگاه پیام نور، گروه جغرافیا

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱۱/۱۸

چکیده

مهاجرت‌های روستایی در پرتو طیف وسیعی از عوامل و زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی انجام می‌گیرد. پیش از این، گروهی از روستاییانی که از موقعیت مطلوب‌تر اقتصادی و اجتماعی برخوردار بوده‌اند، دلیلی برای ترک روستا احساس نمی‌کردند و آن را محل مناسبی برای خود و خانواده‌شان می‌دانستند. این پژوهش قصد دارد تا با استفاده از مطالعات میدانی، تغییرات احتمالی به‌وجود آمده در جریانات اخیر مهاجرت روستایی را مورد کنکاش قرار دهد. بدین منظور از مجموعه روستاهای شهرستان بندرانزلی، تعدادی روستا به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و پس از پُر کردن پرسش‌نامه، مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش، ضمن تأیید آثار عوامل اجتماعی و اقتصادی در بروز مهاجرت‌های روستایی، حاکی از دگرگون شدن روابط حاکم بر آنها طی دو دهه‌ی اخیر بوده و نشان می‌دهد که عواملی که زمانی ماندگاری روستایی را در روستا تضمین می‌کردند، در نسل جدید، خود به عاملی مهم برای ترک روستاها بدل شده که در کنار عوامل پیشین، تأثیری دو چندان در ناپایداری جامعه‌ی روستایی در ارتباط با مهاجرت خواهد گذاشت. در نتیجه، مجموعه شرایط حاکم بر روستاها به ایجاد روندی جدید از جریانات مهاجرتی در آنها انجامیده است که می‌توان از آن با عنوان "مهاجرت مضاعف" یاد کرد.

کلیدواژه‌ها: روستا، مهاجرت روستایی، مهاجرت مضاعف، بندرانزلی.

مقدمه

امروزه بحث مهاجرت به یکی از مباحث اصلی دانشمندان مرتبط با علوم اجتماعی تبدیل شده است. این پدیده دارای قدمتی دیرینه بوده و از زمان حضور انسان روی کره‌ی زمین وجود داشته است (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱). اما مهاجرت روستایی به مفهوم خاص خود در ایران "از دوره‌ی صفویه و با دادن القاب به اصناف شهری و تحقیر جامعه‌ی روستایی آغاز شد و در دوره‌ی مشروطیت نمود بیشتری یافت. پس از کودتای ۱۲۹۹ و به دنبال تغییر حکومت و آغاز روابط سرمایه‌داری در الگوی عملکردی شهرها، این پدیده در کشور تعمیم یافت و در زمان پهلوی دوم، پس از تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی کشور از سال ۱۳۲۷ و اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌های نادرست، این برنامه‌ها به دلیل متکی بودن به درآمدهای نفتی و تخصیص دادن بیشتر بودجه‌های عمرانی و جاری به شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشور، مهاجرت روستاییان به شهرها تشدید شد" (قدیری معصوم و جهان‌محمدی فیروز، ۱۳۸۷، ۶۸-۶۷)؛ به گونه‌ای که بسیاری از روستاها از جمعیت فعال و جوان تهی شده و برخی نیز به طور کامل تخلیه شدند، بدین ترتیب بسیاری از پتانسیل‌های موجود در روستاها از بین رفته و رو به نابودی گذاشت. مسلم است که تداوم روند افسارگسیخته و نابسامان مهاجرت در روستاها با اهداف توسعه‌ی پایدار در تضاد بوده و راهبردهای توسعه‌ی ملی را خدشه‌دار می‌کند؛ اما باید دانست که مشکل به اینجا ختم نمی‌شود و پویایی حاکم بر جوامع انسانی به طور اعم و جوامع روستایی به طور اخص، همواره بر دامنه‌ی مسائل موجود می‌افزاید و مشکلات جدیدتری را پیش روی برنامه‌ریزان و متفکران قرار می‌دهد و پیچیدگی حاکم بر جوامع را بیشتر می‌کند. از این رو، شناسایی ابعاد جدید مسائل موجود، می‌تواند تأثیر زیادی در ارائه‌ی راهبردی مناسب برای رفع آنها، داشته باشد.

مهاجرت به مفهوم جابه‌جایی جمعیت از روستا به شهر و از شهر به روستا، در ایران از اواخر قرن گذشته (شمسی) محسوس و پدیدار شد. این مهاجرت به دلایل گوناگون اقتصادی - اجتماعی انجام می‌گرفت که مهم‌ترین آن، افزایش جمعیت کشور از یک سو و گسترش روابط سرمایه‌داری در شهر و سپس در روستا از سوی دیگر، بوده است (اعتماد، ۱۳۷۷، ۶۹). یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت، به ویژه مهاجرت از روستا به شهر، در ایران مانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، نمود فضایی این جریان بوده که به شکل‌های مختلف در مبدأ (روستا) و مقصد (شهر)، خود را نشان داده و گاهی به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حادّی در مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست منجر شده است.

وجود رابطه بین عوامل اجتماعی و اقتصادی، مانند میزان درآمد، سواد، سن و... با مهاجرت در پژوهش‌های بسیاری به اثبات رسیده که به طور مسلم، در روند مهاجرت روستایی شهرستان بندرانزلی نیز امری انکارکردنی نیست؛ چراکه همواره شرایط نامساعد حاکم بر عوامل فوق، به ویژه شرایط اقتصادی مانند کمبود زمین و درآمد پایین، منجر به وقوع پدیده‌ی مهاجرت می‌شده است، به این معنی که برخورداری افراد از تمکن مالی در روستا و داشتن وجهه‌ی خوب اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل ماندگاری آنان در روستاها به شمار می‌آمده است. این افراد با توجه به توانمندی‌های خود در زمینه‌ی مدیریتی از یک طرف و اعتماد و اتکای روستاییان به آنها از طرف دیگر، نقش اساسی در پایداری نسبی روستاها ایفا می‌کردند و بدین ترتیب از تخریب و نابودی روستاها تا حدّ بسیار زیادی جلوگیری می‌شد. این روند تا چند دهه پس از آغاز مهاجرت روستایی در ایران ادامه داشته است؛ چراکه برتری‌ها و مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی چنین افرادی، معمولاً از

پدر به فرزند منتقل شده و موجب تداوم روند فوق می‌شد. اما آنچه در یکی دو دهه‌ی اخیر اتفاق افتاده و به‌ویژه در چند سال اخیر رخنمون شده است، ایجاد موج جدیدی از مهاجرت در بین نسل جدید افراد صاحب مکتب و دارای پایگاه اجتماعی بالاست که همراه با عوامل پیشین مهاجرت، روند جدیدی را در روستاهای شهرستان بندرانزلی ایجاد کرده است. بر این اساس، مسأله‌ی اصلی مهاجرت در شهرستان را می‌توان شکل‌گیری موج جدیدی از مهاجرت در نسل جدید افرادی دانست که زمانی به‌دلایل اجتماعی و اقتصادی، پایبندی شدیدی به ماندگاری در روستا داشته و هرگز به ترک آن نمی‌اندیشند. این موج جدید به همراه دلایل کهن ترک روستا، آثار منفی زیادی در روستاها داشته و پایداری آن را متزلزل تر خواهد کرد. مقاله پیش رو برای بررسی این روند، از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران و دلایل مهاجرت آنان مورد بررسی قرار گرفته است که در واقع، مؤید بسیاری از دلایل مهاجرت روستایی در ایران است. اما در بخش دوم که هدف اصلی این نوشتار را بیان می‌کند، موج جدید حاکم بر مهاجرت روستایی شهرستان بندرانزلی را بررسی می‌کند که به نظر می‌رسد قابل تعمیم به بسیاری از نواحی ایران باشد.

بنابر آنچه آمد، سؤالات اساسی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. عوامل مختلف اجتماعی - اقتصادی در روند مهاجرت‌های روستایی ناحیه‌ی مورد مطالعه چه نقشی داشته است؟

۲. با توجه به تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دو دهه‌ی اخیر، چه تغییراتی در عوامل مؤثر در مهاجرت رخ داده است؟
فرضیه‌ی پژوهش عبارت است از:

فرض اول: روند مهاجرت‌های روستایی در ناحیه‌ی انزلی با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد متفاوت بوده است.

فرض دوم: تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دو دهه‌ی اخیر، منجر به ایجاد تغییراتی در عوامل تأثیرگذار در مهاجرت روستایی شده است.

برای آشنایی هرچه بیشتر با موضوع مهاجرت، مرور پژوهش‌های انجام شده‌ی گذشته و آگاهی از ادبیات مربوطه، نظریه‌ها و قوانین موضوعه الزامی است. در ایران در سطح علمی، به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی، مهاجرت موضوع بررسی‌های بسیار زیادی بوده است که در اینجا به‌طور خلاصه، مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این مورد بررسی می‌شود:

مصطفی مهاجرانی در سال ۱۳۵۵ در گزارشی با عنوان "مهاجرت روستاییان به شهرها"، این مقوله را بررسی کرده است. وی علل مهاجرت را به سه گروه مشخص تقسیم می‌کند که عبارت‌اند: از علل فنی یا وابسته به حرفه‌ی زارع، علل اجتماعی و سرانجام مهاجرت به‌دلیل بی‌تعادلی‌ها یا در واقع، علل اقتصادی (مهاجرانی، ۱۳۵۵).

محمد حمصی در سال ۱۳۵۷ به‌ارائه‌ی گزارش مقدماتی از پروژه‌ی پژوهشی بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهر در استان فارس پرداخته است. وی هدف اصلی این پروژه را شناخت کیفیت و کمیت مهاجرت روستاییان و به‌ویژه آثار آن بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خاستگاه مهاجران می‌داند. وی

مهم‌ترین انگیزه‌ی روستاییان را براساس اطلاعات جمع‌آوری شده، جست‌وجوی کار و کار بهتر دانسته و مهاجران، تاریخ مهاجرت و شیوه‌ی مهاجرت را شرح داده است و درنهایت بیان می‌کند که روستاهای دورافتاده‌تر مهاجران بیشتری را روانه‌ی شهر می‌کنند و مهاجرت جوان‌گزین، مردگزین، باسوادگزین و مجردگزین است (حمصی، ۱۳۵۷).

همچنین همین شخص در سال ۱۳۵۹ گزارشی به نام "فهرست برخی پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی مهاجرت و تحرک جمعیت" ارائه کرده است و پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی مهاجرت را به‌صورت خلاصه و مأخذ بیان کرد. در این گزارش ۶۸ پژوهش به زبان فارسی و ۲۹ پژوهش به زبان انگلیسی نوشته شده است (حمصی، ۱۳۵۹).

آیرملو مهاجرت از روستا به شهر را در ایران مورد بررسی قرار داده و مهاجرت را ناشی از عوامل تغییردهنده دانسته است. او جامعه‌ی روستایی ایران را در قرن ۱۹، سنتی معرفی می‌کند و بر این باور است که در جامعه‌ی سنتی، مهاجرت از عوامل رکودی سرچشمه می‌گیرد (آیرملو، ۱۳۶۳، ۹۹).

گیتی اعتماد به بررسی مهاجرت از روستا به شهر در ایران، طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ پرداخته است. او می‌گوید، به‌طور کلی در ایران، به‌ویژه پیش از اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی - اجتماعی دو یا چند دهه‌ی اخیر، مهاجرت‌های داخلی کند و اندک بوده است (اعتماد، ۱۳۷۷، ۷۰). وی مهاجرت در ایران را به دو دوره تقسیم می‌کند. دوره‌ی پیش از اصلاحات ارضی و دوره‌ی پس از اصلاحات ارضی و معتقد است که مهم‌ترین عامل مهاجرت در دوره‌ی پیش از اصلاحات ارضی، عامل رکودی، یعنی افزایش نسبت جمعیت به سطح زیر کشت بوده است.

یکی دیگر از مطالعات مربوط به مهاجرت، پژوهش زاهد زاهدانی است. او کمیّت و کیفیت مهاجرت را تابعی از تغییر و تحوّل در سیستم روابط اجتماعی می‌داند (زاهدانی، ۱۳۶۵).

منصور وثوقی عامل اصلی مهاجرت‌های روستایی را اصلاحات ارضی دانسته است. او مهاجرت از روستا به شهر در ایران را به سه دسته‌ی پیش از اصلاحات ارضی، اوایل سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ و بین سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ تقسیم کرده است (وثوقی، ۱۳۶۶، ۵۰-۴۶).

از دیگر مطالعات قابل اشاره "کپرنشینان ایرانشهر" از محمدابراهیم امین است. وی "کپرنشین" را بریده از دیار و به‌غربت آمده و "کپرنشینی" را مترادف با فقر دانسته و اشاره می‌کند که "کپر" به جرقه‌ای دود می‌شود که می‌تواند حاکی از وضعیّت نامناسب مهاجران کپرنشین باشد. بنا بر آمار ارائه شده در این گزارش، ۶۵ درصد از خانوارهای کپرنشینان، مهاجر بوده که اوج این جریان بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ (۲۳ درصد) و هدف ۷۰ درصد مهاجران، جست‌وجوی کار و زندگی بهتر بوده است (امین، ۱۳۵۳).

یکی دیگر از مطالعات انجام شده در این زمینه به مسأله‌ی مهاجرت در آذربایجان غربی مربوط می‌شود که در سال ۱۳۶۱ از سوی محمد مهدی آهنگری انجام شده است. وی در این پژوهش ابعاد مختلف پدیده‌ی مهاجرت و پیامدهای آن را با پرداختن به مشکلات ایجاد شده در اثر مهاجرت، روند و انگیزه‌های آن، مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی برای کاهش جریان مهاجرت ارائه کرده است (آهنگری، ۱۳۶۱).

پژوهش‌های بسیاری نیز در قالب پایان‌نامه در زمینه‌ی مهاجرت انجام گرفته است که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

فتح ... دهقان از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۰، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به موضوع

مهاجرت روستایی در دهستان مشایخ شهرستان ممسنی پرداخته و نقش اشتغال را در کاهش مهاجرت‌های روستایی در این شهرستان مورد مطالعه قرار داده است و وضعیت اشتغال را در کاهش یا افزایش مهاجرت در آن مهم ارزیابی کرده است (دهقان، ۱۳۸۰).

شکرا... بهروزی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۹، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود جمعیت روستایی بخش مرکزی شهرستان سپیدان را بررسی کرده و تحولات مکانی - فضایی آن را در بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ مطالعه کرده است (بهروزی، ۱۳۷۹).

جمال حیدری از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۸، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود پیامدهای مکانی مهاجرت‌های روستایی بخش عقدا از شهرستان اردکان را مورد بررسی قرار داده است. وی مهاجرت را عامل مؤثر در کاهش جمعیت نیروی فعال منطقه دانسته و بیان می‌کند که تغییرات جمعیتی منطقه‌ی مورد مطالعه، تابع سیستم باز بوده است. بیشترین انگیزه‌ی مهاجرت را نیز نبود امکانات اقتصادی می‌داند. از دید ایشان مهاجرت سبب تغییراتی در ساختار جنسی منطقه شده است (حیدری، ۱۳۷۸).

طاهره رستمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۱، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "تعریف جدیدی از مفهوم مهاجرت روستایی در دشت اصفهان"، مهاجرت روستایی را حرکت نیروی کار از بخش تولید زراعی سنتی به بخش مدرن صنعتی معرفی می‌کند (رستمی، ۱۳۶۱).

یارمحمد قاسمی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود پژوهشی در مورد مهاجرت روستاییان و عشایر به شهر ایلام انجام داده و انگیزه‌های اصلی مهاجرت را در بین این افراد بررسی کرده است (قاسمی، ۱۳۷۲).

گیتی سوری از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۲، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود، مهاجرت روستایی و تأثیر آن را بر ساختار فضایی شهر ورامین بررسی کرده است. براساس مطالعات انجام شده، مشخص شد که تا سال ۱۳۵۵، این منطقه مهاجرفرست بوده؛ اما پس از این تاریخ، با رخ دادن تغییراتی در تهران و همچنین ایجاد کارخانه‌های متعدد در اطراف ورامین، مهاجرپذیر شده است. یکی از موارد قابل توجه در این بررسی، تأکید فراوان به کنترل ساخت‌وساز و مسکن و جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه و بدون برنامه است (سوری، ۱۳۷۲).

امامعلی عاشری از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۲، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی مهاجرت‌های روستایی شهرستان ارومیه پرداخته و پیامدهای آموزشی، اقتصادی و فیزیکی آن را مطالعه کرده است. وی دلایل اصلی مهاجرت را در این منطقه، فراهم‌شدن زمینه‌ی اشتغال در بخش ساختمان، جست‌وجوی درآمد بهتر، کمبود زمین، مسأله‌ی مالکیت، جاذبه‌ی عمومی شهر، ناامنی بر اثر جنگ و سرانجام درگیری‌های داخلی در منطقه می‌داند (عاشری، ۱۳۷۲).

براتعلی سلیمانی دُرچه از دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۷۳، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی وضعیت زندگی مهاجران ساکن خمینی‌شهر پرداخته و میزان رضایت آنها را از زندگی در محلّ جدید ارزیابی کرد (سلیمانی دُرچه، ۱۳۷۳).

عبّاس سلیمیان از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۳ در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود، روند مهاجرت روستاییان و در نتیجه شهرنشینی در مهاباد را متأثر از عوامل انسانی، یعنی سیاست‌ها و عملکردهای مدیریتی دانسته و سهم کمتری را برای محیط طبیعی قائل است (سلیمیان، ۱۳۷۳).

خضر آردم از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۴، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود علل و پیامدهای فضایی مهاجرت روستایی را در دهستان ایل گورک شهرستان بوکان، از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار داده است. وی در این مطالعه به دو نوع مهاجرت در منطقه، یعنی مهاجرت فصلی و دائمی اشاره کرده و از نظر تعداد، دامنه‌ی مهاجرت فصلی را بیشتر از مهاجرت دائمی دانسته است که طی آن، روستاییان فقیر برای دستیابی به شغل مهاجرت می‌کنند (آردم، ۱۳۸۴).

در زمینه‌ی مهاجرت در استان گیلان نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

از نخستین آثار یافت شده که در آن به مهاجرت در گیلان اشاره شده است، کتاب محمد مهدی لاهیجی با عنوان "جغرافیای گیلان" بوده است. وی در این کتاب تلاش کرده که اطلاعات مختلفی از گیلان و نواحی مختلف آن ارائه دهد و بیشتر به معرفی شهرها پرداخته است. (لاهیجی، ۱۳۸۹ ه. ق، ۲۲).

گزاویه دوپلانول در کتاب "جغرافیای انسانی شمال ایران" با ترجمه‌ی سیروس سهامی به بررسی مناطق ساحلی دریای مازندران پرداخته و در فصول مختلف آن، مسائل گوناگونی از جمله، نوع مسکن، شرایط تاریخی، ساخت زراعی و مناظر روستایی را مورد بررسی قرار داده است. بخشی از کتاب نیز به مهاجرت پرداخته شده است و از مهاجرت زمستانی مردم این مناطق که در فصل مرده‌ی زراعی در جست‌وجوی اندک درآمدی بیشتر، راهی دیار دیگر می‌شوند، سخن گفته است (دوپلانول، ۱۳۵۸، ۵۵).

کتاب "سرزمین میرزا کوچک خان"، تألیف احمد کتابی، از موارد دیگر است که می‌توان از آن یاد کرد. این کتاب به بررسی اوضاع طبیعی، اقتصادی و اجتماعی گیلان پرداخته و پس از بررسی مشخصات عمومی و تاریخی این منطقه، به تحولات استان در دوره‌های مختلف اشاره شده است. بخش کوتاهی از این کتاب که مربوط به دوره‌ی جنگ جهانی دوم است، به روستاییان و مهاجرت آنها اختصاص یافته است (کتابی، ۱۳۶۲، ۱۳۲).

همچنین احمد کتابی در سال ۱۳۶۳ در رساله‌ی دکترای خود با عنوان "اقتصاد منطقه گیلان"، به بررسی حرکات مکانی جمعیت در استان گیلان پرداخته است. وی مهاجرت در این خطه را به دو قسمت خارجی و داخلی تقسیم کرد و در قسمت مربوط به مهاجرت داخلی، با ملاک قرار دادن زادگاه جمعیت استان، در مقایسه با متولدین شهرستان‌های دیگر استان و استخراج نسبت متولدین در شهرستان محل اقامت، حکم به پایا بودن مهاجرت داخلی در استان گیلان می‌کند. وی همچنین با توجه به ۸۴/۷ درصد جمعیت بومی شهر رشت، معتقد است که میزان مهاجرپذیری این شهر بسیار پایین است (کتابی، ۱۳۶۳، ۲۹۱).

از دیگر موارد می‌توان به گزارش احمد همت شیرایه با عنوان "مهاجرت در گیلان" اشاره کرد که در سال ۱۳۶۴ تهیه شده است. وی در این اثر، بیشتر به ارائه‌ی آمار و ارقام در زمینه‌ی مهاجرت در شهرهای مختلف گیلان پرداخته است و در آن شهرهای مختلف استان را از لحاظ مهاجرت بررسی کرده است. او درکل، استان گیلان را به‌عنوان استانی مهاجرفرست دانسته؛ ولی در بین شهرهای استان، شهر بندرانزلی را مهاجرپذیرترین شهر استان گیلان معرفی کرده است (همت شیرایه، ۱۳۶۴، ۱۲).

ملگونف روسی طی سفری که به سواحل دریای خزر داشته، اطلاعاتی در مورد این منطقه ارائه کرده است. وی در کتاب خود، گیلان را به ولایات مختلفی تقسیم کرده و هر ولایت را نیز در بلوک‌هایی جداگانه بررسی کرده است. یکی از این ولایات، گیلان است (ملگونف، ۱۳۶۴، ۲۱۴-۲۱۳). وی در بخش مربوط به

شهرستان تهران، از مهاجرت مردم گیلان و نقاط دیگر که یک‌دهم جمعیت آن را تشکیل می‌دهد، نام می‌برد و گیلان را در گروه مناطق مهاجرپذیر آورده است (همان، ۱۶۴).

سازمان برنامه و بودجه‌ی استان گیلان در سال ۱۳۶۳، گزارشی با عنوان "وضعیت موجود جمعیت و جوامع استان گیلان در مطالعات آمایش سرزمین" ارائه کرده است که در این گزارش، مهاجرت در استان گیلان را در دو زمینه‌ی مهاجرت درون‌استانی و مهاجرت برون‌استانی بررسی کرده است. (سازمان برنامه و بودجه‌ی استان گیلان، ۱۳۶۳، ۲۶-۲۵).

علی اصغر نظری در کتاب "جغرافیای جمعیت ایران" مسائل جمعیتی کشور و استان‌ها را به تفکیک بررسی کرده است. مباحث وی شامل معرفی مشخصات طبیعی، بخش‌بندی‌های ناحیه‌ای، تراکم جمعیت، نسبت جنسی، ساختمان سنی، سواد، شغل و مهاجرت را شامل می‌شود. وی در زمینه‌ی مهاجرت، ابتدا به اهمیت بررسی موضوع اشاره کرده و سپس به مسأله‌ی مهاجرت در استان‌های مختلف، از جمله گیلان پرداخته است (نظری، ۱۳۶۸، ۷۰).

سید مسعود منوری در مقاله‌ای با عنوان "مسأله‌ی حاشیه‌نشینی در شهر رشت"، آن را مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه وی، رشد سریع جمعیت شهری، تنها به دلیل افزایش طبیعی جمعیت و تبدیل مناطق روستایی به حوزه‌های شهری نبوده، بلکه مهاجرت‌های خالص، به‌ویژه از روستاها به شهرهای بزرگ، عمده‌ترین عامل آن به‌شمار می‌رود (منوری، ۱۳۶۹، ۱۲۵).

منوچهر ستوده در کتاب "از آستارا تا استارآباد" به معرفی آثار و بناهای تاریخی گیلان پرداخته است. وی در این کتاب تلاش کرده که فهرست کاملی از آثار تاریخی موجود در گیلان و همچنین جغرافیای تاریخی و انسانی آن را ارائه کند و در قسمتی که مربوط به جغرافیای تاریخی دهستان چهارفریضه است، به شهرستان بندرانزلی اشاره داشته است. وی در قسمت کوتاهی به مهاجرت زمستانی خلخالیان و دیگر اقوام اطراف به این منطقه اشاره می‌کند که برای انجام کار به آنجا روی می‌آوردند. همچنین در بین تیره‌های موجود در منطقه از تیره‌ی مهاجری نام می‌برد که هنگام جنگ دوم ایران و روس به اینجا کوچانده شده‌اند (ستوده، ۱۳۷۴، ۲۳۳). یکی از ارزشمندترین کتاب‌های منتشر شده که اطلاعات جامعی درباره‌ی گیلان دارد، کتاب "گیلان" است که به کوشش ابراهیم اصلاح عربانی گردآوری شده است. در این کتاب تلاش شده که در مباحث مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی از افراد متخصص همان بخش استفاده شود. از این رو مباحث جمعیتی کتاب توسط حبیب‌ا... زنجانی انجام شده است (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ۲۹۲). در این کتاب در زمینه‌ی مهاجرت آمده است که استان گیلان از نظر مهاجرت یکی از استان‌های کم‌کار کشور است. بررسی وضع مهاجرت‌ها در این استان، چه مهاجرت‌های درازمدت و چه مهاجرت‌های کوتاه‌مدت تأیید کننده‌ی این مطلب است (همان، ۳۰۵).

جعفر جوان نیز در کتاب "جغرافیای جمعیت ایران" مسائل مختلف جمعیتی کشور را مورد بررسی قرار داده است. وی فصلی جداگانه را به مهاجرت و تحرک مکانی جمعیت اختصاص داده و از زوایای مختلف مهاجرت را بررسی کرده است. او پس از تجزیه و تحلیل مهاجرت در ایران، به درجه‌بندی اهمیت استان‌ها برحسب حجم مهاجران (وارد شده و خارج شده) پرداخته است. بر این اساس، گیلان طی سه دوره‌ی سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ از نظر مهاجرپذیری، به ترتیب در رتبه‌های ۸، ۱۱ و ۹ و از نظر

مهاجرفرستی نیز در رتبه‌های ۴، ۶ و ۹ قرار داشته است که به معنی مهاجرپذیری استان در مقابل مهاجرفرستی آن است (جوان، ۱۳۸۰، ۳۳۵).

از بین پایان‌نامه‌هایی که به مسأله‌ی مهاجرت در گیلان پرداخته‌اند، نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مرتضی مدنی از دانشگاه آزاد رشت در سال ۱۳۸۳ در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود، روند مهاجرت روستاییان شهرستان رودبار و بازتاب آن را در دهه‌ی ۷۵-۶۵ مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که شرایط محیطی در مهاجرت روستایی تأثیرگذار است. وی مهاجرت را در بهبود وضعیت اقتصادی نواحی روستایی مؤثر می‌داند (مدنی، ۱۳۸۳).

فریبا حیدری پورلاخانی در سال ۱۳۸۳ در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی آثار مهاجرت در روستاهای جنوب‌شرقی شهرستان رشت پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، روند فزاینده‌ی مهاجرت طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵، افزایش جمعیت و محدودیت اراضی کشاورزی و کافی نبودن اقدامات عمرانی و کمبود خدمات زیربنایی و روبنایی بررسی شده است. وی در این پایان‌نامه، پس از معرفی شهرستان و ارائه‌ی اطلاعات طبیعی و اقلیمی به بررسی مهاجرت در دهستان سنگر از توابع شهرستان رشت پرداخته و مهاجرت را از ابعاد مختلف، از جمله زمانی و مکانی بررسی کرده است (حیدری پورلاخانی، ۱۳۸۲).

حسین دادرسی در سال ۱۳۸۳ در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستاهای حاشیه‌ی تالاب انزلی پرداخته و بخش کوچکی از آن را به پدیده‌ی مهاجرت در شهرستان بندرانزلی اختصاص داده است. وی به کاهش جمعیت آبادی‌های حاشیه‌ی تالاب از ۱۷۰۳۴ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۴۲۵۲ نفر اشاره کرده و آن را نشانه‌ی مهاجرت دانسته است. همچنین اظهار می‌کند که از مجموع ۱۷ روستای مورد مطالعه، دو روستای بشمن و سنگاچین به دلیل نزدیکی به شهرستان بندرانزلی، ارزان بودن زمین و همسایگی با ساحل دریای خزر، مهاجرپذیر بوده و مابقی روستاها را بنا به دلایلی از جمله اقتصادی، تحصیلات، عدم پذیرش نظام سنتی از سوی جوانان، عوامل فرهنگی و ارتباطی، مهاجرفرست قلمداد کرده است (دادرسی، ۱۳۸۳).

دیدگاه‌های مهاجرت

دیدگاه اقتصادی

نوشته‌های مربوط به اواخر دهه‌ی ۵۰ و اوایل دهه‌ی ۶۰ که در آثار لوئیس، تودارو، فی ورنایس، هاریس و استیگلیتز مشهود است، دلایل اصلی مهاجرت‌های روستا به شهر را به ساختارهای اقتصادی مرتبط می‌سازند. نوشته‌های آن دوره که منبع مهم ارجاعات عمده در مطالعات پیشین نیز بوده است با تأکید بر سیاست‌های تعادل منطقه‌ای، مهاجرت را ناشی از عدم تعادل میان مناطق مختلف می‌دانند (طاهرخانی، ۱۳۷۱، ۱۳). از نظر اقتصادی، مهاجرت‌ها شامل، مهاجرت‌های داخلی و مهاجرت‌های بین‌المللی، سازوکاری برای بازتوزیع نیروی کار است. این نگرش با آرا و عقاید آدام اسمیت (۱۷۷۸) اقتصاددان کلاسیک و پیروان وی شکل گرفت. وی مهاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می‌دانست و آن را نه تنها سبب رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجرفرست می‌شمرد، بلکه وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به حساب می‌آورد. بعد از وی اقتصاددانانی چون ساستاد (۱۹۶۲)، هاریس و تودارو (۱۹۷۶) در دهه‌ی ۱۹۶۰ این نظریه را کمی تغییر

داده و فرضیه‌ی جدیدی با عنوان "نظریه‌ی نئوکلاسیک‌ها" مطرح کردند. بر پایه‌ی این نظریه، هر جا عرضه‌ی نیروی کار بیش از سرمایه باشد، دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد، دستمزدها سیر فزاینده می‌یابد. این وضع، برانگیزاننده‌ی مهاجرت نیروی کار از منطقه‌ی نخست به منطقه‌ی دوم بوده و تعادلی بین دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۲۱-۱۲۰). بر این اساس، می‌توان این‌گونه بیان کرد که "عمده‌ترین انگیزه‌های مهاجرتی را انگیزه‌های اقتصادی تشکیل می‌دهد" (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۱، ۷۰).

دیدگاه اجتماعی

نظریه‌های اجتماعی، مهاجرت را تابع عقاید رفتاری و هنجاری و نیز، سطح انتظارات ارزشی فرد از مهاجرت می‌داند. در این بخش محدودیت‌های کارکردی مناطق روستایی از ابعاد اجتماعی، چون کسب منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل و اخلاقیات که خود تابعی از ابعاد روان‌شناختی مهاجرت است، می‌توانند منجر به مهاجرت‌های روستا - شهری، به‌ویژه در میان جوانان شوند (طاهرخانی، ۱۳۸۰).

دیدگاه سیاسی

تبیین مهاجرت با نگرش‌های سیاسی در گام اول به قوانین و مقرراتی برمی‌گردد که به‌طور معمول، یک‌طرفه بوده و از سوی کشورهای مهاجرپذیر برای تسهیل پذیرش مهاجران از بعضی از سرزمین‌ها و جلوگیری و محدود کردن آن از برخی دیگر انجام می‌گیرد. علاوه‌بر آن، قوانین و مقرراتی نیز برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده شده و پناهندگان وجود دارد که در بیشتر آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می‌شود. هرچند که در مواردی چون پذیرش مهاجران رانده شده یا پناهندگان، بر جنبه‌ی انسانی و بشردوستانه تأکید می‌شود، در این مورد نیز ملاحظات سیاسی، اولویت‌های دیگر را در چنبره‌ی خود قرار می‌دهد (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۲۸).

دیدگاه سیستمی

انتقادهای زیادی به گرایش‌های اقتصاددانان کلاسیک، نئوکلاسیک‌ها و به‌ویژه نگرش‌های مربوط به اقتصاد دوگانه مطرح شده است. با پذیرش این خرده‌گیری‌ها باید گفت که در اصل، طرح هر نظریه‌ی جدیدی با انتقاد از دیدگاه‌های قبلی و نشان دادن نکات ضعف آنها انجام گرفته و از این راه توسعه و تکامل علمی یافته است. آنان در تلاش برای طرح نگرشی جامع به مسأله‌ی مهاجرت‌های بین‌المللی، به تلفیق و تکمیل دیدگاه‌های مختلف پرداخته و بر پویایی جریان‌های مهاجرتی تأکید کرده‌اند. به نظر آنان مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدأ و مقصد مهاجران جریان می‌یابند، به‌طور تنگاتنگی با دلبستگی‌های دیگر موجود بین آن دو ارتباط دارند. دلبستگی‌هایی که درهم‌تنیده شده و سیستمی را به‌وجود می‌آورند که مهاجرت را شکل داده و به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند. از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، نه به‌صورتی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای جدانشدنی، بستر لازم را برای مبادله‌های مهاجرتی فراهم کرده و آن را تداوم می‌بخشند (همان، ۱۳۰-۱۲۹).

نظریه‌های مهاجرت

بحث‌های نظری درباره‌ی مهاجرت روستایی به شهر، تاریخی طولانی دارد (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی،

۱۳۸۲، ۲۲۳). با شناخت چارچوب‌های کلی مربوط به نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف در زمینه‌ی مهاجرت، می‌توان به معرفی برخی از نظریه‌های مهاجرت پرداخت. "نظریه‌ی مهاجرتی، چارچوب منطقی به نسبت کاملی است که بمانند یک نظام غیرتجربی، می‌کوشد پدیده‌ی مهاجرت روستاییان و تحولات آنها را در بستر اجتماعی - تاریخی‌شان تبیین و تحلیل کند و با توضیح قوانین توسعه و قضایای معتبر، به پرسش‌های موجود در این زمینه پاسخ دهد و در نتیجه پژوهشگر و برنامه‌ریز را در امکان کنترل، جهت‌دهی و هدایت آنها توانمند می‌کند (تقوی، ۱۳۷۱، ۵۰). این نظریه‌ها با نام صاحب‌نظرانی شناخته شده‌اند که آنها را مطرح کرده‌اند و عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از:

نظریه‌ی راونشتاین^۱

برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی، نظریه‌های راونشتاین را به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌های مهاجرتی می‌شمارند. راونشتاین ابتدا در سال ۱۸۸۵، در مقاله‌ای با عنوان "قوانین مهاجرت"، نظریه‌های خود را بیان کرد و سپس در سال ۱۸۸۹ به تکمیل آن پرداخت.

طبق این قوانین، کوچنده از منطقه‌ای که در آن فرصت‌های کمتری وجود دارد به مناطقی می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس باشد. گزینش کوچگاه به کمک عنصر فاصله انجام می‌پذیرد؛ زیرا مهاجر تمایل دارد به مکان‌هایی کوچ کند که نزدیک‌ترند. راونشتاین سپس پی برد که هر جریان کوچ روستایی به شهر، یک جریان متقابل کوچ برگشتی از شهر به روستا را به دنبال دارد. وی چنین می‌پنداشت که شهرنشینان کمتر از مردمان روستایی اهل مهاجرت هستند و همچنین با گسترش کسب و صنعت، جریان کوچ شتاب بیشتری به خود می‌گیرد (اوبرای، ۱۳۷۰، ۷۰). بنابراین قوانینی که مورد بحث راونشتاین بوده است، شامل قوانین فاصله و مهاجرت، مرحله‌ای بودن مهاجرت، ارتباطات و مهاجرت و برتری انگیزه‌ی اقتصادی در مهاجرت است (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳۱).

نظریه‌ی لاری ساستاد^۲

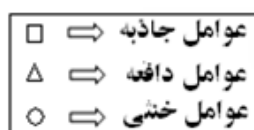
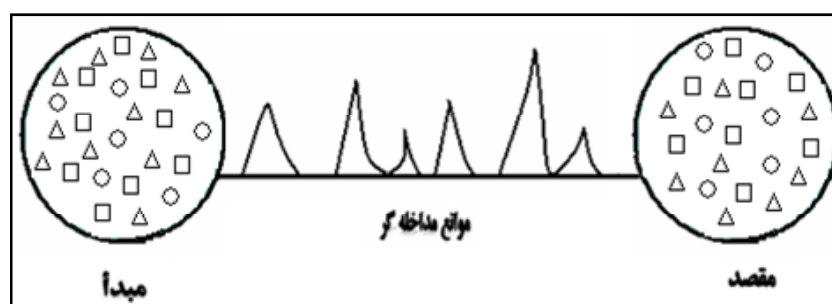
لاری ساستاد نظرهای راونشتاین درباره‌ی برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت را به گونه‌ی دیگری مطرح کرد و به مسأله‌ی مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری پرداخت. این بحث به تدریج تکمیل و به نظریه‌ی سرمایه‌ی نیروی انسانی موسوم شد. به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است؛ زیرا بر اساس نظریه‌ی وی که به نظریه‌ی هزینه - فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به‌علاوه‌ی هزینه‌ی واقعی مهاجرت، کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. در غیر این صورت، حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد. در نظریه‌ی وی هزینه‌های مهاجرت، شامل هزینه‌های پولی مستقیم، هزینه‌های پولی غیرمستقیم و هزینه‌های روانی است که مجموع آنها را هزینه‌های واقعی مهاجرت می‌نامد. (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳۲).

1. Ravenstein

2. Sjuasted

نظریه‌ی اورت. اس. لی

اورت. اس. لی. در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان "نظریه‌ای درباره‌ی مهاجرت" که در مجله‌ی جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد، مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده‌ی زیر بیان کرد: عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده یا بازدارنده)، عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده یا بازدارنده)، عوامل موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد و عوامل شخصی (شکل شماره‌ی ۱) (همان، ۱۳۲ و ۱۳۳). لی در مقاله‌ی خود کوشش می‌کند، چارچوبی کلی برای تجزیه و تحلیل حجم مهاجرت، توسعه‌ی جریان‌ها و ضدجریان‌ها و ویژگی‌های مهاجران ارائه دهد. وی نظریه‌ی خود را با تعریف وسیعی از مهاجرت آغاز می‌کند و مهاجرت را تغییر دائمی محل اقامت می‌داند و می‌گوید: با چشم‌پوشی از کوتاهی یا بلندی مسافت، سهولت یا صعوبت کار، هر عمل دربرگیرنده‌ی مبدأ، مقصد و زنجیره‌ای از موانع دخالت‌کننده است (تودارو، ۱۳۶۷، ۲۲).



شکل ۱. نظریه‌ی جذب و دفع لی

نظریه‌ی زیپف^۱ یا جاذبه‌ی مهاجرتی

این نظریه‌ی یک بحث ساده‌ی ریاضی است که ابتدا زیپف در سال ۱۹۴۶ مطرح و سپس از سوی دیگران تکمیل شد. شاید بتوان آن را متأثر از قانون اول راونشتاین درباره‌ی فاصله و مهاجرت و قوانین جاذبه‌ی نیوتن دانست. به باور وی مهاجرت از شهری به شهر دیگر، رابطه‌ی مستقیمی با تعداد جمعیت آن دو شهر و رابطه‌ی معکوسی با فاصله‌ی آنها دارد. او نظریه‌ی خود را در قالب رابطه‌ی شماره‌ی ۱ بیان داشت:

$$M_{od} \rightarrow K P_o P_d D^{-a}_{od} \quad (\text{رابطه‌ی ۱})$$

که در آن M_{od} تعداد مهاجران بین دو شهر مبدأ (O) و مقصد (d)، P_o و P_d جمعیت آنها، D_{od} فاصله‌ی بین آن دو شهر و K و a ضرایب مثبتی هستند که تحت تأثیر شرایط دیگر قرار دارند. فرض $(a=2)$ این رابطه، سبب یادآوری قانون جاذبه‌ی عمومی می‌شود که با حاصل ضرب جرم دو سیاره و عکس مجذور فاصله‌ی آنها تبیین می‌شد.

$$K \frac{MM^1}{d^2}$$

رابطه‌ی شماره‌ی ۲)

شواهد تجربی زیادی این نظریه را رد یا تأیید کرده‌اند. نکته‌ی قوت این نظریه، در تغییرپذیر بودن مقادیر k و a است که همخوانی این نظریه را با مطالعات تجربی امکان‌پذیر می‌کند. با این همه، هنگامی که فاصله بین مبدأ و مقصد کوتاه باشد، کاربرد این نظریه به "اضافه برآورد مهاجران" منجر می‌شود (همان، ۱۳۳).

نظریه‌ی آرتور لوئیس

نظریه‌ی آرتور لوئیس (۱۹۵۴) که بعدها فی و رانیس آن را تکمیل کردند، مهاجرت را بطن فرایندهای توسعه‌ی اقتصادی تبیین می‌کند. به نظر آنان در یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه‌داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده باشد، به دلیل آنکه بخش نوین اقتصادی بر پایه‌ی بهره‌وری از نیروی کار برای تولید و سپس فروش و کسب سود شکل گرفته است؛ در مقابل بخش سنتی، بخش معیشتی قرار می‌گیرد که خوداشتغال بوده و به دلیل عدم بهره‌گیری اقتصادی از سرمایه و فناوری، از بازدهی و بهره‌وری کمتری برخوردار است؛ به گونه‌ای که بازده نیروی کار در آن، می‌تواند ناچیز و حتی نزدیک به صفر باشد. وضعیتی که اقتصاددانان از آن به عنوان بیکاری پنهان نام می‌برند. در چنین شرایطی بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش اقتصاد نوین، نیازمند نیروی کار است تا از بازده نیروی اقتصادی آن بهره‌مند شود، از این رو، انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی به ایجاد ارزش اضافی در بخش سرمایه‌داری منجر شده و با گسترش بخش سرمایه‌داری، نسبت پس‌انداز و سرمایه را به تولید ناخالص ملی افزایش می‌دهد، تا وقتی که چنین وضعی ادامه داشته باشد، مهاجرت نیز استمرار می‌یابد و حتی تشدید هم می‌شود (همان، ۱۳۵-۱۳۴).

نظریه‌ی تودارو^۱

تودارو نیز مانند بیشتر صاحب‌نظران که به بررسی مهاجرت پرداخته‌اند، در صدد تبیین مهاجرت‌های روستا - شهری بوده است. وی علاوه بر آنکه در کتاب توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم، این مسأله را بررسی و تحلیل کرده، در اثر دیگر خود در سال ۱۹۶۹ به شرح جنبه‌های نظری آن پرداخته است. به باور وی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای رو به پیشرفت، تنها با اختلاف درآمدی واقعی مورد انتظار مهاجر بین شهر و روستا تبیین نمی‌شود، بلکه در این بین عامل مهم دیگری نیز، از جمله احتمال کاریابی در شهر، در آن مؤثر است. تحت تأثیر این دو عامل، مهاجر از نظر اقتصادی تصمیم عاقلانه‌ای می‌گیرد که ممکن است مهاجرت یا ماندگاری او را در روستا به همراه آورد (همان، ۱۳۶-۱۳۵).

نظریه‌ی کارکرد گرایی

تبیین کارکردباوری مهاجرت بر پایه‌ی نظریه‌های جامعه‌شناسی کارکردباوری کلاسیک است. این دیدگاه در جامعه‌شناسی مهاجرت، هواداران بسیاری داشته و تا مدت‌ها یگانه‌تاز میدان نظریه‌پردازی و پژوهش درباره‌ی مهاجرت بوده است. نظریه‌های کارکردباوری مهاجرت بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، ۲۲۳).

درواقع، نظریه‌ی کارکردگرایی مهاجرت، مبانی روش‌شناختی خود را از بینش جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی کارکردگرایی (فونکسیونالیسم) گرفته و به کارکردهای پدیده‌های اجتماعی توجه دارد. سنت نظریه‌های کارکردگرایانه‌ی مهاجرت بر تبیین و توجیه دلایل مهاجرت استوار است (تقوی، ۱۳۷۱، ۵۵).

مواد و روش‌ها

روش‌های کتابخانه‌ای، میدانی و تحلیلی، سه روش مورد استفاده در این پژوهش هستند. در گام اول، منابع مرتبط با موضوع شناسایی و مورد استفاده قرار گرفته شده است. اطلاعات دیگر این پژوهش با توجه به آمار و اسناد ارائه‌شده از سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف به‌دست آمده است. سرانجام با استفاده از مطالعات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه در سطح روستاهای مورد مطالعه، اطلاعات مورد نیاز حاصل شد.

جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش را روستاهای حوزه‌ی شهرستان بندرانزلی تشکیل می‌دهند. این شهرستان یکی از شهرستان‌های شمالی استان گیلان است و مرکز آن شهر بندرانزلی است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه سال ۱۳۸۵، تعداد ۲۸ آبادی دارای سکنه با جمعیت ۲۲۴۹۱ نفر ساکن روستا، در این شهرستان جای دارند (شکل شماره ۲).

در این جامعه، ابتدا بر اساس بررسی‌های اولیّه، کوشش شد که روستاهای ناحیه برحسب میزان جمعیت، نوع معیشت غالب و فاصله از شهر طبقه‌بندی و خوشه‌های روستایی مشخص شوند (جدول شماره ۱). با توجه به بررسی‌های انجام شده، آبادی‌های شهرستان بندرانزلی را از نظر معیشت می‌توان در سه گروه کلی صید و صیادی، کشاورزی و مختلط دسته‌بندی کرد^۱ که از این لحاظ تعداد ۲ آبادی در دسته‌ی صید و صیادی، ۱۸ آبادی در دسته‌ی کشاورزی و ۵ آبادی در دسته‌ی مختلط قرار دارند. از نظر جمعیت نیز آبادی‌ها به دو دسته‌ی کمتر از ۵۰۰ نفر جمعیت و بیش از ۵۰۰ نفر تقسیم شده‌اند که به ترتیب ۱۳ روستا در گروه اول و ۱۲ روستا در گروه دوم جای گرفته‌اند. همچنین از نظر فاصله نیز متوسط فاصله‌ی روستاها نسبت به شهر بندرانزلی مدّ نظر قرار گرفته شده است. بنابراین روستاها بر اساس فاصله‌ی ۱۵ کیلومتر خوشه‌بندی شده در دو دسته‌ی روستاهای با فاصله‌ی کمتر از ۱۵ کیلومتر و بیش از ۱۵ کیلومتر بخش‌بندی شده‌اند. از این رو، ۸ روستا در گروه اول و ۱۵ روستا در گروه دوم قرار دارند. تعداد ۳ روستای شهرستان بندرانزلی به‌دلایل مختلف، از جمله پیوستن به شهرستان بندرانزلی (یک مورد) و قرار گرفتن در محدوده‌ی بلافصل آبادی‌های بزرگتر (دو مورد) در این گروه‌بندی حذف شده و به‌همین دلیل ۲۵ آبادی در خوشه‌های فوق در نظر گرفته شده است. با توجه به دسته‌بندی‌های انجام شده و در نظر گرفتن فراوانی‌های هر خوشه، تعداد ۸ آبادی به‌عنوان جامعه‌ی نمونه انتخاب شده است که این روستاها شامل روستاهای کوچک‌محلّه، سنگاچین، تربه‌گوده، شیله‌سر، حسن‌رود، سیاه‌خاله‌سر، گلشن و آب‌کنار است (جدول شماره ۱ و شکل شماره ۲). از خانوارهای روستاهای نمونه تعدادی خانوار انتخاب و با تکمیل پرسش‌نامه، اطلاعات مورد نیاز فراهم شده است. داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس اصول تحلیل مهاجرت‌های روستایی و آزمون‌های نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت نتیجه‌گیری شده است. گفتنی است که برای دستیابی به هدف پژوهش از متغیرها و شاخص‌هایی استفاده شده که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۱. خوشه‌بندی روستاهای شهرستان بندر انزلی (جامعه‌ی آماری) بر اساس نوع معیشت غالب، جمعیت و فاصله

مختلط		کشاورزی		صید و صیادی		نوع معیشت غالب	
بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر	بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر	بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر		
گلشن		حسن‌رود	تربه‌گوده	سنگاچین	کوچک‌محله	۱۵ تا کیلومتر	
		طالب‌آباد	شانگهای برده				
		لیجارکی					
آب‌کنار		سیاه‌خاله سر	اشیلا			بیش از ۱۵ کیلومتر	
کپورچال		علی‌آباد	اشترکان				
کرگان		کچلک	تربه بر				
			چای بیجار				
			خمیران				
			رودپشت				
			سیاه‌وزان				
			شیله‌سر				
			معاف				
			کربلایی مهدی				

جدول ۲. روستاهای نمونه (جامعه‌ی نمونه) انتخاب شده

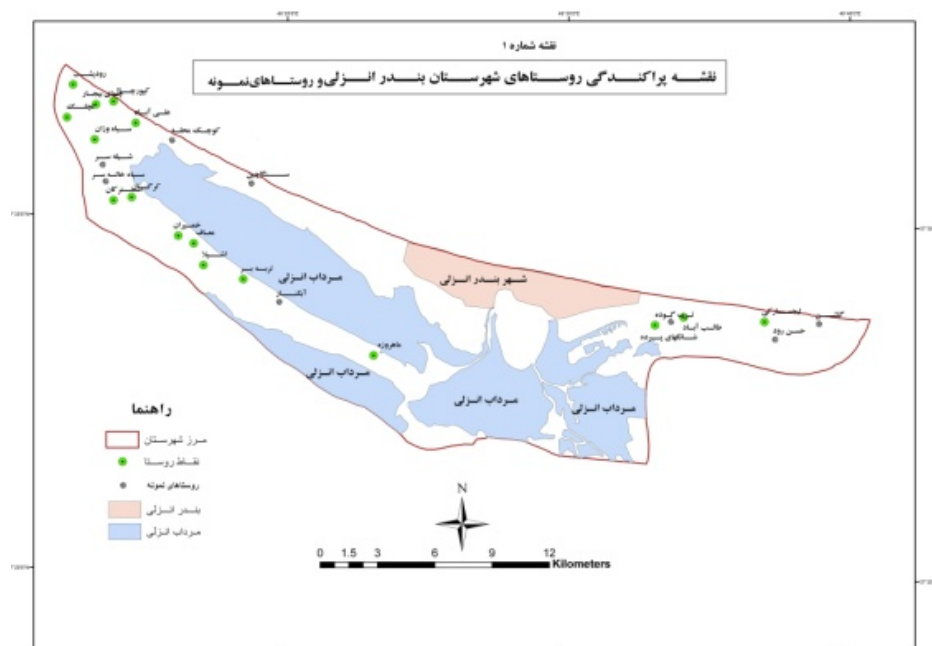
مختلط		کشاورزی		صید و صیادی		نوع معیشت غالب	
بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر	بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر	بیش از ۵۰۰ نفر	کمتر از ۵۰۰ نفر		
گلشن		حسن‌رود	تربه‌گوده	سنگاچین	کوچک‌محله	۱۵ تا کیلومتر	
آب‌کنار		سیاه‌خاله سر	شیله سر			بیش از ۱۵ کیلومتر	

جدول ۳: متغیرها و شاخصهای مورد استفاده در پژوهش

متغیرها و شاخصها	ردیف	متغیرها و شاخصها	ردیف
فراوانی میزان زمین افراد ساکن و مهاجر	۸	میزان زمین ساکنان	۱
میزان تولید در هکتار افراد ساکن و مهاجر	۹	میزان زمین مهاجران	۲
وضعیت تأهل ساکنان	۱۰	میزان فروش محصولات توسط ساکنان	۳
وضعیت تأهل مهاجران	۱۱	میزان فروش محصولات توسط ساکنان	۴
درصد فرزندان ساکنان در مقاطع مختلف تحصیلی با توجه به میزان زمین	۱۲	شغل افراد مهاجر در مقصد	۵
درصد مهاجرت فرزندان افراد ساکن در روستا با توجه به میزان زمین	۱۳	میزان درآمد فعلی افراد ساکن و مهاجر	۶
		فراوانی میزان فروش افراد ساکن و مهاجر	۷

محدوده‌ی مورد مطالعه

بندر انزلی یکی از توابع شهرستان‌های استان گیلان و مرکز آن شهر بندر انزلی است که بین ۴۹ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته و از شهرستان‌های کناره‌ی جنوب دریای خزر است (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۷۰، ۱۱). انزلی مهم‌ترین بندر ایران در ساحل دریای خزر است که در ساحل جنوب‌غربی و در آخرین قسمت شرقی زبانه‌ای که مرداب را از دریا جدا می‌کند قرار دارد (رابینو، ۱۳۶۶، ۵۰). این شهرستان از شمال به دریای خزر، از جنوب به شهرستان رشت و صومعه‌سرا، از شرق به شهرستان رشت و صومعه‌سرا و از غرب به شهرستان رضوانشهر محدود می‌شود. شهرستان بندرانزلی از یک بخش مرکزی و دو دهستان به نام‌های چهارفریضه و لیچارکی حسن‌رود تشکیل شده است که شهر بندرانزلی تنها شهر این شهرستان و مرکز آن است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، ۱۷). وسعت این شهرستان حدود ۳۰۴/۷ کیلومتر مربع است (www.mpo-g.ir). یکی از ویژگی‌های اصلی شهرستان بندرانزلی، وجود تالاب انزلی در داخل شهرستان است. محدوده‌ی آب تالاب انزلی را می‌توان در مساحتی بیش از ۱۰۰ کیلومتر مربع تصوّر کرد (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ۳۴۰) که در نیمه‌ی غربی این شهرستان به واسطه‌ی آبراهه‌ای از میان شهر انزلی به دریای خزر ارتباط می‌یابد (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۷۰، ۱۱). این بندر به دلیل ارتباط با کشور شوروی سابق و نزدیکی به نقاط پُرجمعیت و مراکز مهم تجاری و صنعتی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که ضمن تماس دریایی با بنادر شوروی در ساحل خزر، از راه کانال ولگا - دن و دریای سیاه با بنادر تجاری و بین‌المللی کشورهای مختلف اروپایی نیز ارتباط دارد (وحدانی تبار و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۶، ۱۰۲۹).



شکل ۲. نقشه‌ی پراکندگی روستاهای شهرستان بندر انزلی و روستاهای نمونه

نتایج و بحث

ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاییان به تفکیک ساکنان و مهاجران

بررسی جنبه‌های نظری و پیشینه‌ی مطالعاتی، این نکته را یادآوری می‌کند که پدیده‌ی مهاجرت در کشورهای پیشرفته، متناسب‌تر و معقول‌تر از کشورهای رو به پیشرفت بوده و سازگاری بیشتری با روند توسعه‌ی آتی آنها از نظر زمانی داشته است. بنابراین، تحقق دیرنگام، اما گسترش سریع این پدیده، در کشورهای رو به پیشرفت، خود منجر به آثار و نتایج شده است که لزوم توجه و اولویت‌دهی به آنها را جزء سیاست‌های اصلی این کشورها قرار داده است. در بیشتر کشورهای جهان سوم، اگر اشباع مناطق روستایی، ساکنان آنها را به طرف شهرها روانه می‌کند، در کشورهای پیشرفته، در واقع تشکیلات و افزایش مداوم مشاغل شهری است که ساکنان مناطق روستایی را به طرف خود جذب می‌کند (نظریان، ۱۳۷۲، ۵۴).

ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاییان در ایجاد انگیزه‌ی مهاجرت، نقش غیرقابل انکاری دارد. عوامل اجتماعی شامل اشتغال، میزان آموزش، سواد، مدت سکونت و داشتن دوستان و آشنایان ساکن مقصد مهاجرت (Ewing, 1974, 4) و عوامل اقتصادی شامل میزان درآمد، میزان زمین، میزان تولید و میزان فروش می‌شود. تعداد افرادی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند برابر با ۲۰۴ نفر هستند که از این تعداد ۹۷ نفر از آنها افرادی هستند که روستای محل زندگی خود را ترک کرده و به روستاها یا شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی نمونه در جداول شماره‌ی ۴ تا ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۴. فراوانی میزان زمین افراد ساکن و مهاجر

فقد زمین	۰/۴ تا ۰/۱	۰/۵ تا ۰/۹	۱ تا ۱/۹	۲ تا ۲/۹	۳ تا ۳/۹	۴ تا ۴/۹	۵ تا ۵/۹	۶ و بالاتر
ساکن	۱۱	۲۰	۲۵	۱۰	۳	۴	۵	۲۱
مهاجر	۲۸	۰	۵	۰	۱	۰	۰	۰

جدول ۵. میزان تولید در هکتار افراد ساکن و مهاجر

	۱ تا ۱/۹ تن	۲ تا ۲/۹ تن	۳ تا ۳/۵ تن
ساکن	۲	۶۰	۲۵
مهاجر	۳	۲۴	۶
کل	۵	۸۴	۳۱

جدول ۶. فراوانی میزان فروش افراد ساکن و مهاجر

	کمتر از یک تن	بین ۱ تا ۳ تن	بین ۳ تا ۶ تن	بین ۷ تا ۱۰ تن	بالای ۱۰ تن
ساکن	۲۰	۳۷	۱۲	۱۲	۶
درصد	۱۹	۳۵	۱۱	۱۱	۶
مهاجر	۶۶	۴	۱	۱	۰
درصد	۶۸	۴	۱	۱	۰

جدول ۷. وضعیت تأهل افراد مهاجر و غیر مهاجر

	تعداد افراد متأهل		تعداد افراد مجرد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۱۵۲	۷۴/۵	۵۲	۲۵/۵
مهاجر	۶۴	۶۶	۳۳	۳۴
غیر مهاجر	۸۸	۸۲/۲	۱۹	۱۷/۸

جدول ۸. شغل افراد ساکن و مهاجر در مبدأ به تفکیک

شغل در مبدأ	تعداد	درصد	زراعت	صیادی	کارگری	کارمند	خدمات	صنعت	سایر	بیکار	جمع
											ساکن
تعداد	۴۷	۱۵	۱۲	۰	۲۲	۳	۷	۱	۱۰۷		
درصد	۴۴	۱۱	۱۱	۰	۲۱	۳	۷	۱	۱۰۰		
تعداد	۸	۸	۸	۱	۱۰	۱	۲۷	۳۲	۹۷		
درصد	۸	۸	۸	۱	۱۰	۱	۲۸	۳۳	۱۰۰		

جدول ۹. میزان درآمد فعلی افراد ساکن و مهاجر

میزان درآمد	فائد درآمد	کمتر از ۱۰۰ هزار	تا ۱۰۰ هزار	۲۰۰ تا ۲۹۹ هزار	۳۰۰ تا ۳۹۹ هزار	۴۰۰ تا ۴۹۹ هزار	۵۰۰ تا ۵۹۹ هزار	۶۰۰ هزار و بالاتر	جمع	توزیع	
										تعداد	درصد
تعداد	۸	۲	۱۲	۳۳	۲۳	۱۵	۹	۵	۱۰۷	ساکن	
درصد	۷/۵	۱/۹	۱۱/۲	۳۰/۸	۲۱/۵	۱۴	۸/۴	۴/۷	۱۰۰		
تعداد	۸	۱	۲	۱۹	۳۳	۱۶	۴	۱۳	۹۷	مهاجر	
درصد	۸/۲	۱	۲/۱	۱۹/۶	۳۴	۱۶/۵	۴/۱	۱۴/۴	۱۰۰		

جدول ۱۰. شغل افراد مهاجر در مقصد

شغل در مقصد	کارگر	خدمات	صنعت	کارمند	سایر*	جمع
تعداد	۴۱	۲۵	۴	۱۱	۱۶	۹۷
درصد	۴۲	۲۶	۴	۱۱	۱۷	۱۰۰

*تعدادی از مهاجران شغل خود را اعلام نکردند که این افراد در گروه "سایر" قرار گرفته‌اند.

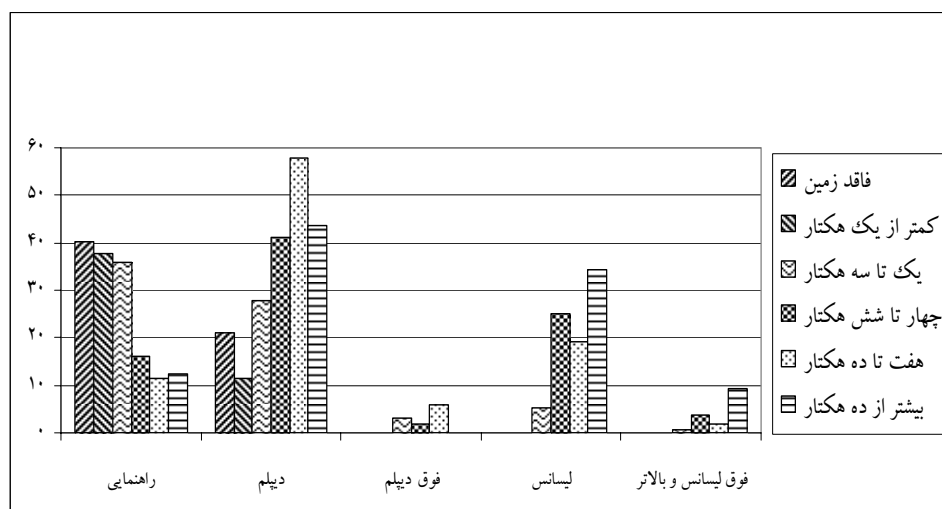
میزان تحصیلات فرزندان ساکنان با توجه به میزان درآمد افراد

هدف این مقاله، شناسایی میزان تحصیلات افرادی است که دیگر جزء تحصیل‌کنندگان شمرده نمی‌شوند. از این‌رو، تلاش شده است که افرادی که در حال تحصیل هستند، از گروه افراد مورد مطالعه حذف شوند. در این راستا با توجه به بالا رفتن سطح سواد ناحیه، از آنجایی که تعداد افراد با تحصیلات زیر مقطع راهنمایی ناچیز بوده و بیشتر آنان در این مقطع در حال تحصیل بودند، محصلان زیر مقطع راهنمایی حذف شده‌اند و از مقطع

بالتر از راهنمایی برای بررسی‌های دقیق‌تر استفاده شده است. در رابطه با میزان تحصیلات فرزندان ساکنان با توجه به میزان درآمد افراد، جدول شماره‌ی ۱۱ تهیه شده و در شکل شماره‌ی ۳ نیز نشان داده شده است.

جدول ۱۱. درصد فرزندان افراد در مقاطع مختلف تحصیلی با توجه به میزان زمین

راهنمایی	دپلم	فوق دپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
فاقد زمین	۲۱	۰	۰	۰
کمتر از یک هکتار	۱۱	۰	۰	۰
یک تا سه هکتار	۲۸	۳	۵	۱
چهار تا شش هکتار	۴۱	۲	۲۵	۴
هفت تا ده هکتار	۵۸	۶	۱۹	۲
بیشتر از ده هکتار	۴۴	۰	۳۴	۹



شکل ۳. نمودار درصد فرزندان ساکنان در مقاطع مختلف تحصیلی با توجه به میزان زمین

تعداد مهاجران نسل جدید با توجه به میزان زمین

از جامعه‌ی نمونه در زمینه‌ی وضعیت فرزندان در ارتباط با موقعیت تحصیلی و اینکه در روستا مانده یا مهاجرت کرده‌اند، پرسشگری و نتیجه‌ی آن در جدول شماره‌ی ۱۲ نشان داده شده است. با توجه به اینکه جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در گروه‌های مختلف اقتصادی (میزان زمین) متفاوت بوده است، از درصد افراد نسبت به کل در هر گروه استفاده شده است. چنانکه با توجه به ردیف اول، این مورد آشکارا به چشم می‌آید، تعداد افراد در گروه‌های مختلف از ستون سوم کاهش می‌یابد؛ اما بر درصد آنها نسبت به کل افراد در همان گروه افزوده می‌شود.

جدول ۱۲. تعداد و درصد مهاجرت فرزندان افراد ساکن در روستا با توجه به میزان زمین

بیش از ۱۰ هکتار	۷ تا ۱۰ هکتار	۴ تا ۶ هکتار	۱ تا ۳ هکتار	کمتر از ۱ هکتار	فاقد زمین		
۳۲	۵۰	۴۹	۹۹	۳۰	۳۵	تعداد	افراد با مدرک مقطع راهنمایی و بالاتر
۹۷	۹۶	۸۶	۷۳	۴۸	۶۱	درصد	
۲۴	۳۶	۳۳	۵۳	۱۵	۱۷	تعداد	تعداد مهاجران از گروه فوق
۷۳	۶۹	۵۸	۳۹	۲۴	۳۰	درصد	
۷۵	۷۲	۶۷	۵۴	۵۰	۴۹	درصد تعداد مهاجران نسبت به تعداد افراد	

تحلیل داده‌ها

مطالعات میدانی انجام شده در سطح روستاهای شهرستان بندر انزلی، در راستای متغیرهای مورد نیاز موضوع و فرضیه‌های مطرح شده، به‌طور خلاصه در جداولی ارائه شد. در اینجا تلاش بر آن است که اطلاعات به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

از مواردی که در اقتصاد کشاورزی دارای اهمیت اساسی است، میزان زمینی است که در اختیار روستاییان قرار دارد. "برخی مطالعات انجام شده نشان‌دهنده‌ی وجود همبستگی مثبت بین نسبت میزان زمین به فرد و میل به مهاجرت است" (Connell et al, 1976,7)، به این معنی که هرچه میزان زمین افراد بیشتر باشد، تمایل افراد به ماندگاری در روستا بیشتر و هرچه از این میزان کاسته شود، از تمایل افراد در ماندن در روستاها کاسته خواهد شد.

در بررسی انجام شده در جامعه‌ی نمونه، مشخص شده است که میزان این متغیر وضعیت چندان مطلوبی ندارد. بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده، این مسأله ناشی از افزایش تعداد خانوار طی چند دهه‌ی گذشته و قطعه‌قطعه شدن اراضی در نتیجه‌ی قانون ارث بوده که منجر به کوچک‌شدن هرچه بیشتر زمین‌های کشاورزی شده است. هم‌اکنون کسانی که بین ۱ تا ۱/۹ هکتار زمین دارند، دارای بیشترین فراوانی هستند که این مسأله به‌طور مسلم در میزان تولید و همچنین هزینه در هکتار، به‌دلیل عدم وجود صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، تأثیر سوئی خواهد داشت و هرچه میزان زمین زراعی کمتر باشد، به‌نسبت هزینه‌ی بیشتری باید پرداخت شود، در نتیجه کمبود زمین، میزان تولید و به‌دنبال آن فروش کاهش یافته است. چنانکه بیشینه‌ی میزان فروش در بین روستاییان جامعه‌ی نمونه، متعلق به کسانی است که بین ۱ تا ۳ تن فروش داشته‌اند که این مقدار با کسر هزینه‌ی تمام شده برای محصول، چندان چشمگیر نیست. میزان زمین، تولید و فروش مهاجران به‌قدری اندک بوده است که با مهیتا شدن زمین‌های ترک روستا، لحظه‌ای در ترک آن درنگ نکرده‌اند.

بنابر آمار ارائه شده در سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲، مساحت کل زمین زراعی این شهرستان برابر با ۳۳۲۳ هکتار بوده که مشتمل بر ۳۸۴۱ نفر بهره‌بردار است. با یک محاسبه‌ی ساده مشخص می‌شود که میزان زمین زراعی که به‌طور متوسط به هر بهره‌بردار می‌رسد کمتر از یک هکتار است (حدود ۰/۹ هکتار) و واضح است که این مساحت از زمین نمی‌تواند جوابگوی تأمین معاش افراد باشد.

دامداری منطقه نیز از نوع سنتی است و بیشتر در پرورش گاو و گوساله خلاصه می‌شود. چنانکه ۳۹۴۶ رأس گاو و گوساله در شهرستان موجود است و مجموع سایر دام‌ها، یعنی گوسفند، گاو میش و بز نیز تنها ۵۶۴ رأس بوده است.

میزان زمین زراعی و عدم بهره‌برداری صنعتی و نوین از محصولات دامی، به‌طور مستقیم در میزان درآمد افراد دخیل هستند. "تفاوت‌های درآمدی از گذشته به‌عنوان دلیل اصلی تصمیم برای مهاجرت مطرح بوده است" (Shsdman, 1974, 25)، به‌گونه‌ای که "تفاوت بین دو مکان از لحاظ میانگین سطح درآمد یا دستمزد مهم‌ترین متغیر اثرگذار در مهاجرت بین آنها شمرده می‌شود" (Yap, 1975, 13). بنابر بررسی‌های به‌عمل‌آمده، میانگین درآمد افراد ساکن در روستاهای شهرستان بندر انزلی، ۳۳۱ هزار تومان و میانگین درآمد مهاجران ساکن در مقصد ۵۱۷ هزار تومان بوده است. بیشترین فراوانی درآمد در بین ساکنان ۲۰۰ تا ۲۹۹ هزار و در بین مهاجران ۳۰۰ تا ۳۹۹ هزار تومان بوده و می‌توان گفت که درآمد، به‌عنوان یک محرک قوی در مهاجرت نقش داشته است. شاید در نگاه اول با توجه به ویژگی خوداتکایی روستاها از یک سو و هزینه‌های نسبی بالاتر شهرها از سوی دیگر، گفته شود که اوضاع درآمدی روستاییانی که در روستا زندگی می‌کنند، از مهاجران بهتر باشد، اما بنا بر بررسی‌های انجام گرفته، آنچه با عنوان هزینه‌های کمتر زندگی و تهیه‌ی نیازها با توجه به ویژگی خودکفایی روستاییان مطرح می‌شود، در روستاهای شهرستان بندرانزلی بسیار کم‌رنگ شده است، چنانچه هم‌اکنون روستاییان، بسیاری از نیازهای مصرفی ابتدایی زندگی خود همچون شیر، دوغ، ماست، انواع سبزیجات و... را خریداری می‌کنند و از این نظر همواره نیازمند معامله‌های نقدی هستند. از سوی دیگر در این روستاها، کمابیش نمی‌توان تفاوتی از نظر لوازم زندگی با شهرها قائل شد و حتی در مواردی در روستاها اگر گرایش به برخورداری از لوازم تجملی بیشتر از شهرها نباشد، کمتر از آن هم نیست. همچنین افرادی که روستاها را ترک کرده‌اند، به‌سبب برخورداری از میزان زمین کشاورزی، هرچند کوچک که از راه ارث به آنها رسیده است، دست‌کم از برخی هزینه‌ها مانند خرید برنج معاف بوده و حتی مازاد آن را هرچند اندک به فروش می‌رسانند. بنابراین می‌توان بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد و مهاجرت آنان رابطه برقرار کرد.

در رابطه با میزان تحصیلات فرزندان ساکنان و میزان زمین با توجه به جدول شماره‌ی ۱۱، افراد در گروه‌های مختلف فاقد زمین، دارای کمتر از یک هکتار زمین، بین یک تا سه هکتار، بین چهار تا شش هکتار، بین هفت تا ده هکتار و سرانجام بیش از ده هکتار زمین دسته‌بندی شده‌اند. همچنین مقاطع تحصیلی فرزندان این افراد در جدول نشان داده شده است. چنانچه مشاهده می‌شود، می‌توان بین میزان زمین افراد با میزان تحصیل فرزندان آنان رابطه‌ای برقرار کرد. بر اساس میزان زمین و تحصیلات فرزندان، شکافی در نمودار ملاحظه می‌شود و دو گروه کاملاً مشخص را به نمایش می‌گذارد. این دو گروه عبارت‌اند از افرادی که بین صفر تا سه هکتار زمین دارند و افرادی که دارای زمینی بیش از چهار هکتار هستند. در گروه اول در مقطع راهنمایی بیشترین فراوانی دیده می‌شود و این درحالی است که گروه دوم از این نظر از فراوانی کمتری برخوردار است. ملاحظه‌ی مقاطع تحصیلی بالاتر، گواه این است که با افزایش میزان زمین که مبتنی بر درآمد بالاتر افراد است، میزان تحصیلات افراد نیز افزایش یافته است. از مقطع دیپلم تعداد فرزندان دارای بیش از چهار هکتار زمین افزایش یافته و این روند تا مقاطع بالاتر نیز همچنان ادامه می‌یابد. چنانچه در مقاطع بالاتر

افراد فاقد زمین و کمتر از یک هکتار، هیچ‌گونه سهمی از زمین نداشته و افراد دارای یک تا سه هکتار زمین نیز سهم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۱۳، به‌همراه افزایش میزان زمین افراد، درصد افراد در سطح تحصیلات راهنمایی و بالاتر افزایش یافته و به‌همین ترتیب درصد مهاجران نیز افزایش می‌یابد. تنها موردی که در این زمینه تناقض دارد، بالا بودن تعداد و درصد تحصیلات و به‌دنبال آن، مهاجرت در گروه فاقد زمین نسبت به گروه کمتر از یک هکتار است. این امر به دو دلیل رخ داده است. نخست اینکه برخی از افراد فاقد زمین جزء کسانی بوده‌اند که هرچند از زمین به‌عنوان منبع درآمد برخوردار نیستند، اما به‌دلیل شغل خود که عبارت‌اند از مشاغل فرهنگی و مشاغل وابسته به سازمان‌های دولتی به‌عنوان کارمند، بهای زیادی به تحصیلات می‌دهند و در این گروه تأثیرگذار شده‌اند. از سوی دیگر، برخی دیگر از این افراد، جزء صیادان پُر درآمد بوده‌اند که شرایطی مانند افراد دارای زمین و مایملک زراعی بالا را داشته‌اند و سبب شده که این گروه از گروه بعد از خود شرایط بالاتری داشته باشند. این روابط با آزمون‌های آماری قابل اثبات است.

آزمون فرضیه‌ها

با استفاده از آمار استنباطی و به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS، فرضیه‌های مطرح شده در ابتدای بحث را می‌توان آزمون نمود. برای این کار ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده در پرسشگری از جامعه‌ی نمونه کدگذاری شده و سپس در برنامه وارد شده است. برای به‌دست‌آوردن نتایج مطلوب‌تر داده‌ها به سه شکل داده‌های کل (شامل مجموع افراد ساکن و مهاجر)، داده‌های مربوط به افراد ساکن و داده‌های مربوط به مهاجران مورد بررسی قرار گرفتند. سپس با استفاده از نرم‌افزار، فراوانی‌ها استخراج شده و عوامل اصلی مرتبط با فرضیه‌ها آزموده شدند. متغیرها در دو گروه وابسته و مستقل قرار دارند که در همه‌ی آنها مهاجرت متغیر وابسته و بقیه متغیر مستقل هستند. برای پی بردن به رابطه و همبستگی بین دو متغیر وابسته و مستقل از آزمون رگرسیون و برای اثبات معناداری رابطه میان آن دو، از آزمون تی. تست استفاده شده است. حداقل میزان مدّ نظر برای اثبات همبستگی و معناداری رابطه بین دو متغیر به ترتیب برابر با $0/4$ و $0/05$ است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون (پیرسون) و تی. تست در جدول شماره ۱۳ برای متغیرهای مختلف نشان داده شده است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای درک میزان همبستگی و آزمون تی. تست برای اثبات معناداری بین متغیرهای مستقل و وابسته

فاصله	میزان فروش	میزان تولید	میزان زمین	شغل	متغیرهای مستقل متغیر وابسته
$R = 0/01$	$R = -0/42$	$R = -0/49$	$R = -0/43$	$R = 0/53$	مهاجرت
$sig = 0/16$	$sig = 0/000$	$sig = 0/000$	$sig = 0/000$	$sig = 0/000$	مهاجرت

میزان همبستگی رگرسیونی در شغل، نشانگر تأثیری مستقیم بوده و در زمینه‌ی میزان زمین، تولید و فروش، گویای وجود رابطه‌ای معکوس است. بدین معنی که وابستگی روستاها به کشاورزی و مشاغل وابسته به آن، نقش زیادی در ترک روستاها داشته است و هرچه میزان وابستگی به کشاورزی بیشتر شود، با توجه به کاهش روزافزون سهم افراد از زمین‌های کشاورزی و در نتیجه کفایت نداشتن آن برای تأمین نیازمندی‌های

روستاییان، بر میزان تشویق افراد به ترک روستا نقش مهمی داشته است. چنانکه گفته شد، بین میزان زمین، تولید و فروش رابطه‌ی منفی وجود دارد. بدین معنی که هرچه میزان این متغیرها کمتر باشد، میزان مهاجرت افزایش یافته و برعکس، هرچه میزان این متغیرها بیشتر باشد، تمایل روستاییان، به مهاجرت کمتر شده است. تمام متغیرهای فوق با استفاده از آزمون تی. تست نیز در زمینه‌ی میزان معناداری آنها مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه مشاهده می‌شود، آزمون در مورد همه‌ی متغیرها بجز فاصله با میزان $\text{sig} = 0$ معنادار هستند.

با توجه به آزمون پیرسون عامل فاصله، همبستگی بسیار ناچیز و اندکی ($0/01$) با پدیده‌ی مهاجرت در شهرستان بندر انزلی داشته است. همچنین بنا بر آزمون تی. تست نیز، رابطه‌ی میان فاصله و مهاجرت در شهرستان بندر انزلی با $\text{sig} = 0/16$ معنادار نبوده است. این امر می‌تواند این‌گونه توجیه شود که روستاهای شهرستان بندر انزلی با یکدیگر و تا شهر بندرانزلی فاصله‌ی چندانی ندارند. تمام روستاهای این شهرستان در طول یک جاده با فواصل اندکی از یکدیگر قرار گرفته‌اند. به‌گونه‌ای که فاصله‌ی دورترین روستا به شهر بندرانزلی را می‌توان حداکثر در ۳۰ دقیقه پیمود. بنابراین فرض‌های فرعی اول، دوم و سوم، یعنی رابطه بین شغل، میزان زمین و درآمد با مهاجرت پذیرفته شده و فرض فرعی چهارم، یعنی رابطه میان فاصله از شهر و مهاجرت رد می‌شود.

در مجموع می‌توان فرض اول را پذیرفت و ادعا کرد که روند مهاجرت‌های روستایی در ناحیه‌ی انزلی، براساس ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد متفاوت بوده است.

علاوه بر موارد فوق، در جدول شماره‌ی ۱۴ نتایج آزمون همبستگی بین میزان برخورداری از اراضی زراعی و میزان سواد و مهاجرت با آزمون پیرسون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داده شده است. در ابتدا میزان همبستگی بین میزان زمین و تعداد فرزندان با سطح تحصیلات بالاتر از مقطع راهنمایی بررسی شده است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون حاکی از آن است که میان متغیرهای میزان زمین با سطح تحصیلات فرزندان با ضریب $0/535$ همبستگی وجود دارد. در زمینه‌ی رابطه بین میزان تحصیلات با مهاجرت نیز، آزمون پیرسون انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون پیرسون حاکی از آن است که میان متغیرهای فوق با ضریب $0/904$ همبستگی وجود دارد. درنهایت، بین عامل زمین و مهاجرت نیز رابطه‌ی فوق مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که میان متغیرهای فوق با ضریب $0/608$ همبستگی وجود دارد.

جدول ۱۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

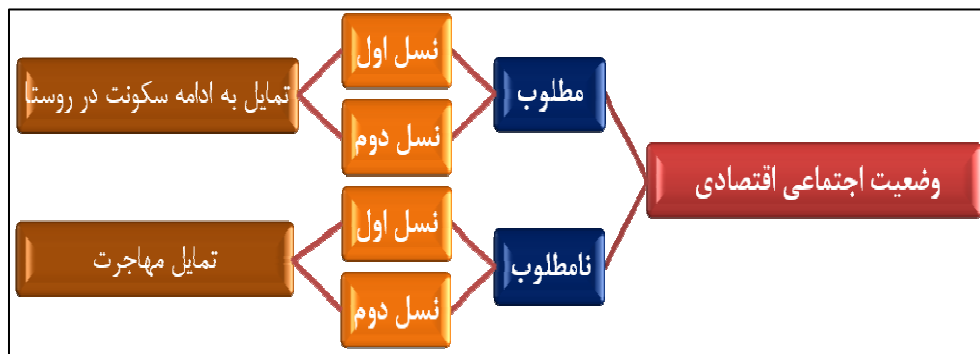
متغیر وابسته	متغیر مستقل	مهاجرت
میزان زمین	$R=0/535$	$R=0/608$
تحصیلات	-	$R=0/904$

بنابراین فرض دوم پذیرفته شده و می‌توان گفت که عواملی که زمانی به‌عنوان عامل بازدارنده‌ی مهاجرت در نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی به‌شمار می‌رفتند، در نسل جدید، خود به‌عنوان محرک مهاجرت افراد درآمد و عامل بروز "مهاجرتی از نوع مضاعف" شده‌اند.

نتیجه‌گیری

چنانکه آمد، در روستاهای شهرستان بندرانزلی با توجه به نوع شغل، میزان درآمد، زمین و میزان فروش افراد، واکنش‌های متفاوتی در ارتباط با تمایل به ترک روستا بروز می‌کند. در روستاهای این شهرستان، در نسل‌های پیشین، میزان درآمد بالا، بهره‌مندی از زمین به میزان کافی و میزان فروش زیاد، در تشویق افراد به ماندگاری در روستا نقش داشته است. از سوی دیگر، تمایل زیادی به مهاجرت برای افرادی که از سواد و آگاهی به نسبت بالاتر و بیشتری برخوردار بوده‌اند، وجود داشته که این خود به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های فعالیتی مرتبط با دانش و تخصص افراد بوده است. در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که عامل اخیر، یعنی سواد و آگاهی به نسبت بالاتر برخی از افراد، همچنان به عنوان عاملی قدرتمند، منجر به خالی شدن روستاها از نیروهای زبده و کارآمد می‌شود؛ چراکه "در سایه‌ی ارتباط و آگاهی است که تصمیم به مهاجرت در ذهن انسان نقش می‌بندد و چنانچه ارزیابی نتایج مهاجرت مثبت باشد، این تصمیم عملی می‌شود" (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۱، ۷۰).

در بررسی میدانی مشخص شد که درآمد بالا، دارا بودن املاک و فروش بالاتر، همچنان در نسل قدیم به عنوان مانعی در برابر مهاجرت مطرح است. اگر در گذشته، انتقال ثروت از پدر به فرزندان به بهره‌مندی از موقعیت اجتماعی - اقتصادی مطلوب برای فرزندان منجر می‌شد و آنان با استفاده از مایملک برجای مانده، همچنان به عنوان افرادی متمول، روستا را بهترین مکان برای زندگی می‌دانستند و تمایلی به زندگی شهری در خود احساس نمی‌کردند. هرچند که در برخی از موارد، قطعه قطعه شدن اراضی از میزان قدرت اقتصادی آنها نسبت به پدر می‌کاست، اما با توجه به قدرت اقتصادی بالاتر خود در روستا، با خرید تدریجی زمین از افراد دیگر، بر مایملک خود می‌افزودند. این الگو در شکل شماره‌ی ۴ نشان داده شده است.

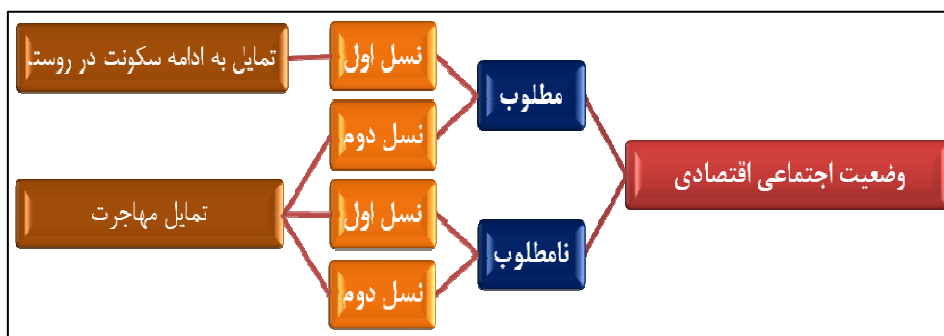


شکل ۴. الگوی قدیمی تمایل به مهاجرت در روستاهای شهرستان

روند فوق در یکی دو دهه‌ی اخیر دگرگون شده است. سه عامل ذکر شده در فوق، یعنی درآمد بالا، داشتن املاک و فروش بالاتر (وضعیت اجتماعی - اقتصادی مطلوب) که در نسل‌های پیشین عاملی تأثیرگذار در ماندگاری روستاییان و نسل‌های بعدی آنان در روستا به‌شمار می‌آمد، بازتابی متفاوت در نسل جدید آنان یافته است. این گونه که چون این افراد از یک سو در بین دیگران، به نسبت درک بیشتری از اهمیت سواد و تحصیلات بالاتر داشته‌اند و از سوی دیگر، توانایی پرداخت هزینه‌ی تحصیل فرزندان خود را داشتند. آنها با آماده‌سازی زمینه‌ی تحصیل فرزندان خود، اکثراً ناخواسته، زمینه‌ی مهاجرت فرزندان را فراهم ساخته‌اند؛

زیرا روستا توانایی برآورده‌کردن نیازهای این افراد را ندارد. با تشدید مدرک‌گرایی در دهه‌ی پیش و هجوم این افراد به مراکز آموزش عالی و درنهایت دریافت مدارک دانشگاهی، درعمل دیگر جایی برای این افراد در روستا باقی نمی‌ماند. نتیجه‌ی این دگردیسی به‌وجود آمده، همراه‌شدن عوامل مطلوب اقتصادی - اجتماعی - که زمانی سبب ماندگاری روستاییان در روستا می‌شدند - با عامل سواد، به‌عنوان یکی از قوی‌ترین عوامل مؤثر در مهاجرت از روستاهای شهرستان بندرانزلی در نسل جدید ساکن در روستاهاست. خروج این افراد از روستا که گاه تمامی فرزندان افراد متمول و صاحب‌نظر قدیم را شامل می‌شد، ضربه‌ی نهایی را به پایداری روستا وارد می‌آورد.

در مجموع، می‌توان گفت: اگر در قدیم رفاه بالای اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان عاملی پایدار در ماندگاری افراد و نسل پس از آنها در روستا به‌شمار می‌آمد، هم‌اینک این چنین نیست؛ زیرا به‌طور عام افرادی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر، کلیه‌ی زمینه‌های کسب مدارج علمی بالا را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. این امر، هرچند که در ذات خود می‌تواند نوعی ترقی برای روستا محسوب شود، اما همبستگی بالای بین عامل سواد و آگاهی با مهاجرت، منجر به پیچیده‌تر شدن مسأله‌ی مهاجرت در روستاها می‌شود؛ زیرا این افراد از یک طرف آشنایی بسیار کمی با روند انجام فعالیت کشاورزی داشته و از طرف دیگر، بستر فعالیت آنها در راستای آموخته‌هایشان در روستا فراهم نیست. در نتیجه، عواملی که زمانی موجب جلوگیری افراد از مهاجرت و ترک دیار می‌شد، در نسل بعدی به‌شکل معکوس جلوه‌گر شده و "مهاجرت مضاعف" را برای روستاها به ارمغان می‌آورند (شکل شماره‌ی ۵).



شکل ۵. الگوی جدید تمایل به مهاجرت در روستاهای شهرستان

منابع

- آهنگری، محمد، ۱۳۶۱، نتایج طرح آمارگیری از مهاجران حاشیه‌نشین شهر ارومیه، سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان غربی.
- آیرملو، رضا، ۱۳۶۳، مهاجرت از روستا به شهرها در ایران، بخش تحلیل مهاجرت، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره‌ی ۱۳۳، صص. ۹۹-۶۹.
- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
- امین، محمد ابراهیم، ۱۳۵۳، کپرنشینان ایران‌شهر، سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان.

- اوبرای، ا. س.، ۱۳۷۰، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، سازمان بین‌المللی کار، تهران.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ اول، سمت، تهران.
- جوان، جعفر، ۱۳۸۰، جغرافیای جمعیت ایران، جهاد دانشگاهی، مشهد.
- حمصی، محمد، ۱۳۵۹، فهرست برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی مهاجرت و تحرک جمعیت در ایران، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز.
- حمصی، محمد، ۱۳۵۷، گزارش مقدماتی بررسی انگیزه و پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهر در استان فارس، مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز.
- حیدری پورلاخانی، فریبا، ۱۳۸۲، اثرات مهاجرت در روستاهای جنوب‌شرقی شهرستان رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: نصرا... مولایی هاشجین، دانشگاه آزاد رشت.
- دادرسی، حسن، ۱۳۸۳، برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستاهای حاشیه‌ی تالاب انزلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: نصرا... مولایی هاشجین، دانشگاه آزاد رشت.
- دوپلانپول، گزایه، ۱۳۵۸، جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه‌ی سیروس سهامی، دانشگاه مشهد، مشهد.
- رابینو، ه. ل، ۱۳۶۶، ولایات دارالمرز ایران - گیلان، ترجمه‌ی جعفر خمایی زاده، چاپ سوم، طاعتی، رشت.
- زاهد زاهدانی، سید سعید، ۱۳۶۵، نظری در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران، نشریه‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره‌ی ۵، صص. ۱۸ - ۱.
- زنجانی، حبیب ا...، ۱۳۸۰، مهاجرت، انتشارات سمت، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه استان گیلان، ۱۳۶۳، وضعیت موجود جمعیت و جوامع استان گیلان در مطالعات آمایش سرزمین، نشریه‌ی شماره‌ی ۱۸.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۷۴، از آستارا تا آستاراآباد، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران.
- قدیری معصوم، مجتبی و غلامرضا جهان‌محمدی فیروز، ۱۳۸۷، نقش برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب در مهاجرت‌های روستا - شهری کشور (با تأکید بر اهمیت درآمدهای نفتی)، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، شماره‌ی ۶۳، صص. ۸۰-۶۷.
- کتابی، احمد، ۱۳۶۳، اقتصاد منطقه گیلان، رساله‌ی دکتری، استاد راهنما سید محمود مشکوه، دانشگاه تهران.
- گلزاری، مسعود، سفرنامه‌ی ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، انتشارات دادجو، تهران.
- لاهیجانی، محمد مهدی، ۱۳۸۹، ق. جغرافیای گیلان، نعمان، نجف.
- مدنی، سید مرتضی، ۱۳۸۳، روند مهاجرت روستاییان شهرستان رودبار و بازتاب آن را در دهه‌ی ۷۵-۶۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، استاد راهنما: اکبر معتمدی مهر، دانشگاه آزاد، رشت.

منوری، سید مسعود، ۱۳۶۹، گیلان‌نامه - مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، به کوشش م. پ. جکتاجی، طاعتی، رشت.

مهاجرانی، مصطفی، ۱۳۵۵، مهاجرت روستاییان به شهرها، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

مهدوی، مسعود، ۱۳۷۷، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، چاپ سوم، قومس، تهران.

فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور، شهرستان بندرانزلی، ۱۳۷۰، چاپ اول، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران.

مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۱، جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، مشهد.

نظری، علی اصغر، ۱۳۶۸، جغرافیای جمعیت ایران، گیتا شناسی، تهران.

نظریان، اصغر، ۱۳۷۲، تاریخ و دیدگاه‌های پیدایش شهر و شهرنشینی، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تربیت معلّم تهران، سال اول، شماره‌ی ۲ و ۳، صص ۱۴۴-۱۱۷.

وثوقی، منصور، ۱۳۶۶، جامعه‌شناسی روستایی، جلد اول، کیهان، تهران.

وحدانی تبار، حسن و وحید شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۶، جغرافیای کامل ایران، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران.

همّت شیرایه، احمد، ۱۳۶۴، مهاجرت در گیلان، جلد اول، سازمان برنامه و بودجه، نشریه‌ی شماره‌ی ۳۴.

Connell, J., et al., 1976, **Migration from Rural Areas; the Evidence from Village Studies**, Oxford U.P., Delhi.

Ewing, R., 1974, **Fertility, Mortality, and Migration Data for the Regions of Iran**, Plan and Budget Organization, Center for Research and Training in Region Planning; United Nation Development Program, Tehran.

Shadman, M., 1974, **An Analysis of the Determinants of Migration in Iran**, Northwestern University, Illinois.

Yap, L., 1975, **International Migration in Less Developed Countries**, World Bank, Washington, D. C.